

جریان‌شناسی و تبارشناسی ترجمه و اقتباس از داستان «محاكمه انسان و حیوان»

رسائل إخوان‌الصفاء در زبان فارسی (و ترکی)

دکتر حسن حیدرزاده سردرود¹

¹استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه پیام‌نور

چکیده

داستان *محاكمه انسان و حیوان* که قدیم‌ترین روایت موجود از آن در رساله‌های عربی *إخوان‌الصفاء* است، در دو دوره زمانی سده هشتم و سده سیزدهم قمری بیشتر مورد توجه نویسندگان زبان فارسی (و ترکی) قرار گرفته است. در این دو دوره، دوازده ترجمه و اقتباس از این داستان شناسایی شده که این تحقیق در پی معرفی و کشف تبارشناسی و جریان‌شناسی و در کل ارتباط بین آنهاست. بر اساس یافته‌های این تحقیق، سه جریان اصلی و یک جریان فرعی (التقاطی) در این ترجمه و اقتباس‌ها وجود دارد: جریان اصلی شاگله روایت عربی (پیرنگ، زمان و مکان، شخصیت‌ها و خط سیر داستان) را حفظ کرده و تغییرات بنیادین در آن نداده است. دخل و تصرفات این جریان، عمدتاً تغییر سبک نگارش آن از نثر مرسل به نثر مصنوع بوده است. جریان دوم، داستان را تلخیص کرده است و جریان سوم که با ابتکار میرحسینی هروی آغاز می‌شود، تغییرات بنیادین در روایت داده و داستانی با ساختار، خط سیر و پیرنگ متفاوت ارائه می‌دهد. در این جریان، گرچه مضامین اصلی گفتگوها و برخی شخصیت‌ها حفظ می‌شود، طرح و خط سیر داستان، در پرتو گفتمان عرفانی بازتولید می‌شود. نمود تأثیر گفتمان عرفانی، در افزودن تم «سفر» و «پیر» و برپایی دادگاه‌های هفتگانه در هفت روز و همچنین موضوعات گفتگوهاست. سرانجام در روایت *مجمع‌النورین* ملا اسماعیل سبزواری، سه شاخه مذکور ترکیب می‌شود و در آن مضمون و محتوا از شاخه اول و ساختار از شاخه دوم اقتباس می‌گردد.

کلیدواژه‌ها: *إخوان‌الصفاء*، *محاكمه انسان و حیوان*، *روضه‌العقول*، *طرب‌المجالس*، *مجمع‌النورین*.

تاریخ ارسال 1399/10/19 تاریخ پذیرش: 1399/12/25

¹E-mail: hasanheidarzadeh@pnu.ac.ir

ارجاع به این مقاله: حیدرزاده سردرود، حسن، *جریان‌شناسی و تبارشناسی ترجمه و اقتباس از داستان «محاكمه انسان و حیوان» رسائل إخوان‌الصفاء در زبان فارسی (و ترکی)*، *زبان و ادب فارسی (نشریه سابق دانشگاه تبریز)*.

10.22034/perlit.2021.43923.2994

1. مقدمه

داستان محاکمه انسان و حیوان داستانی بلند و قدیمی است که بر اساس آن، حیوانات از آزار آدمیان به تنگ آمده، به درگاه پادشاه جنیان شکایت می‌برند. وی انسان‌ها را فرا می‌خواند و آدمیان ادعا می‌کنند حیوانات مملوک ما و ما اشرف مخلوقاتیم. حیوانات این ادعا را نپذیرفته و در پی دادخواهی آنان، دادگاه‌هایی با حضور نمایندگان انسان‌ها (از هفت اقلیم) و نمایندگان اقسام هفتگانه حیوانات (بهایم، درندگان و غیره) تشکیل می‌شود. در طی چندین جلسه دادگاه، مناظره‌های طولانی بین دو طرف صورت می‌گیرد. انسان‌ها کوشش می‌کنند با دلایل عقلی و نقلی اثبات کنند که برتر از حیوانات‌اند. آنها به لباس‌های گوناگون، غذاهای خوشمزه، بناهای بلند، علوم متنوع و قامت راست خود و همچنین به آیاتی نظیر «نحن کرمنا بنی آدم» و «خلقنا الانسان فی أحسن تقویم» استدلال می‌کنند اما حیوانات هر بار پاسخی می‌دهند و برداشت انسان‌ها از آیات را به چالش می‌کشند. در چندین دادگاه، نمایندگان شش اقلیم موفق به اثبات مالکیت و اشرفیت خود نمی‌شوند و حیوانات پیروز مناظره می‌گردند. اما در دادگاه پایانی، حکیم هفتم با استدلال این که فقط در آدمی روح الهی ابدی موجود است، بر نماینده حیوانات چیره می‌شود و دادگاه و حیوانات اشرفیت انسان را می‌پذیرند.

داستان محاکمه که از آن بیش از ده روایت در زبان فارسی و دو روایت در زبان ترکی وجود دارد، برگرفته از داستانی در رسائل *إخوان الصفاست*. همین تعداد ترجمه/ اقتباس، نشان از محبوبیت بسیار فراوان آن در بین ایرانیان دارد. البته این محبوبیت منحصر به ایرانیان نیست و ترجمه/ اقتباس از آن، در زبان‌های مختلف، محبوبیت بالایی جهانی آن را نشان می‌دهد. آلوارز و کاتالای از ترجمه این داستان به زبان عبری در قرن 14 و ترجمه مفقود آن به زبان اسپانیایی در قرن 15 و ترجمه آن به زبان فرانسه قدیم در قرن 16 خبر می‌دهند. (Callatay, 2018: 357; Alvarez, 2002: 180) بروکلان از ترجمه متن عبری به زبان آلمانی در سال 1882م و البته چاپ و ترجمه دیترسی به آلمانی در سال 1858م و همچنین ترجمه مولوی علی به هندی در سال 1861م سخن می‌گوید. (بروکلان، 1975: ج4، 157-159) در جایی دیگر از ترجمه انگلیسی آن در سال 1830م اطلاع داده‌اند. (رسائل *إخوان الصفا*، 1396: بیست‌وشش) نگارنده از دو چاپ تازه این داستان به زبان انگلیسی اطلاع دارد. (ر.ک: فهرست منابع) مقدمه لالچی نیز از وجود ترجمه به زبان اردو پرده برمی‌دارد. (لالچی، ص2) باری، در تحقیقات پیشینیان، مجموعاً هشت روایت از این داستان به زبان فارسی (و ترکی) شناسایی و معرفی شده بود (بروکلان،

همان؛ گلچین معانی، 1344: 76 و 77؛ باغستانی و مرتضایی، 1398: 172). ما با بهره‌گیری از فهرست‌های نسخ خطی و جستجو در درگاه‌های اینترنتی موفق به یافتن چند روایت دیگر شدیم. از آنجا که این داستان گاه به صورت مستقل و گاه در میان یک کتاب مفصل؛ و از سویی با نام‌های گوناگون روایت شده، شناسایی همه روایات بسیار دشوار است و ای‌بسا چندین روایت دیگر از آن نیز وجود داشته باشد. سیر تاریخی ترجمه اقتباس از این داستان و همچنین نشانی دقیق و تعداد تقریبی کلمات روایات مختلف در جدول شماره یک آمده است. ترجمه/ اقتباس‌هایی نیز در سی سال اخیر از این داستان صورت گرفته است که از حوزه کار این پژوهش خارج است.

جدول شماره یک

نام نویسنده	دوره تاریخی	حوزه جغرافیایی	نام منبع	شمار صفحات	تعداد کلمات
إخوان الصفا	قرن 4	عراق/ بصره	بخشی از رساله 22	174ص: از 203 تا 377	50000
1. زنگی بخاری	713	بغداد	کتاب <i>بستان‌العقول</i>	193ص: از 27 تا 220	60000
2. میرحسینی هروی	718	هرات	فصل سوم <i>طرب‌المجالس</i>	64ص: از 66 تا 130	20000
3. ابن ظافر شیرازی	764	شیراز	باب اول <i>کنوزالودیعہ</i>	78ص: از 67 تا 145	25000
4. لامعی بورسوی	923	آنا تولی	کتاب <i>شرف‌الانسان</i>	406ص: از 44 تا 446	70000
5. محمدعلی شیروانی	1250	آذربایجان یا استانبول	کتاب <i>شرافت‌الانسان</i>	460ص: از 58 تا 521	130000

20000	95 ص	رساله رعدوبرق		1265	6. عبدالغفار تبریزی
35000	416 ص: از 22 تا 438	مناظره الحیوان	هند / لکهنو	1268	7. لالچی برشاد
65000	331 ص: از 11 تا 342	مرغزار	شیراز	1295	8. احمد وقار شیرازی
25000	40 ص: از 26 تا 66	هفت مجلس آغازین مجمع النورین	تبریز	1303	9. ملا اسماعیل سبزواری
20000	136 ص	نطق صامت	تهران	1323	10. علی اصغر پیشخدمت
35000	187 ص	مرافعه حیوانات	تبریز	1332	11. احمد بصیرت
70000	209 ص: از 37 تا 246	محاكمه انسان و حیوان	تهران	1324 ش	12. عبدالله مستوفی

2-1. پیشینه تحقیق

تاکنون در ایران تحقیقات چندی بر روی برخی از روایات دوازده گانه داستان انجام شده است. احمد گلچین معانی (1344) در مقاله‌ای حین معرفی نسخه خطی طرب‌المجالس، چهار ترجمه و اقتباس دیگر را معرفی می‌نماید. ایرج افشار (1374: 26) در مقدمه روضه‌العقول به دو ترجمه دیگر اشاره می‌کند. مقاله «نمادشناسی حیوانات در طرب‌المجالس» (محمودی و الیاسی، 1396) از چشم‌انداز نمادشناسیک، شخصیت‌های این داستان را بررسی کرده و در تحقیق باغستانی و مرتضایی (1398) ترجمه ابن ظافر از این داستان با روایت عربی برسنجیده شده است. در تحقیق دیگری نقد روانکاوانه داستان با استفاده از روایت احمد وقار مورد اهتمام بوده است. (عبدی و فاضلی، 1398) اما مقاله‌ای که بخواهد همه (یا

دست کم اکثر) روایات ایرانی از این داستان را مورد کاوش قرار داده و ارتباط بین آن‌ها را تحلیل نماید، نوشته نشده است.

2. بحث و بررسی

2-1. تبار ایرانی داستان؟

با آنکه قدیم‌ترین روایت از داستان محاکمه به زبان عربی است، اما برخی قرائن در متن وجود دارد که نشان‌دهنده گونه‌ای ارتباط بین داستان و ایران است. بسیاری از شخصیت‌ها نام ایرانی دارند: بیوراسب، ملک جن و لقبش: شاه‌مردان؛¹ (رسائل إخوان‌الصفاء، 1992، ج 1، 204) پیروز، وزیر ملک جن؛ شاه‌مرغ (همان: 248)، هزاردستان (همان: 255)؛ آل‌ناهد و کیوانیان و بهرامیان: قبایل جنیان: «ثم أمر الملك... یا حضاره القضاة الجن من آل جرجیس [برجیس] و الفقهاء من بنی ناهید و ... الفلاسفة من بنی کیوان و أهل العزیمه من آل بهرام». (همان: 224) می‌دانیم که «پری» در متون عربی و اسلامی به «جن» ترجمه شده است. آیا در نام‌گذاری قبایل پریان/جنیان و انتساب آنها به سیاره‌ها می‌توان بازمانده‌ای از این باور اساطیری ایرانی یافت که «پریان به صورت شهاب‌ها و ستاره‌های ریزان در میان آسمان و زمین در دریای فراخکرد پُران‌اند»؟ (یشت هشتم، بند 8؛ به نقل از: سرکاراتی، 1350: 21) در این داستان جنیان در جزیره‌ای سکونت دارند. مطابق اسطوره‌های ایرانی نیز پریان در دریا می‌زیند و از دریا بیرون می‌آیند. (همان: 22) وجود این همه نام ایرانی در متن عربی، می‌تواند دلیلی باشد بر اینکه داستان، ریشه ایرانی دارد یا اینکه نویسندگان این بخش از رسائل ایرانی بوده‌اند. از دیگر نشانه‌های ارتباط داستان با ایران و علاقه‌مندی پنهان نویسندگان آن به ایران، این است که در دادگاه پایانی، پادشاه جنیان ابتدا از حکیم ایرانی می‌خواهد سخن بگوید. (رسائل: 278) همین حکیم وقتی می‌خواهد به پادشاهان عادل آدمیان مفاخره کند، بیشتر، پادشاهان ایرانی را نام می‌برد: «و منّا کانت الملوک مثل أفریدون النبطی و... منو جهر الحریری و دارا التیمی و تبع الحمیری و أردشیر بن بابکان الفارسی و بهرام و أنوشروان». (همان: 280) یکی از حکیمان دیگر، خراسانی است. پس بدین ترتیب، دو حکیم از هفت حکیم هفت‌اقلیم، ایرانی‌اند. حکیم خراسانی هم به حدیث مشهور «لو کان الایمان بالثریا... افتخار می‌کند. (همان: 290) وی به سیاه پوشیدن در عزای حسین (ع) و انتقام‌گیری از بنی مروان تصریح دارد (همان) که اشاره به نقش ابومسلم خراسانی در برانداختن بنی مروان است. دیگر آنکه وقتی زنبور در ذم آدمیان، جنگ‌های مکررشان را برمی‌شمارد، بیشتر آنها نیز از اساطیر ایران است: «... والقتال مثل ما شوهد فی أيام رستم و

اسفندیار و... آیام الضحاک و افریدون و آیام سیواس و منوجهر و آیام دارا و الاسکندر و...». همان: 335) در میان منابعی که به نظر ما رسید، کسی بدین مبحث وارد نشده و فقط در مقدمه ترجمه انگلیسی اشاره شده که داستان، ریشه هندی دارد. (The Animals Lawsuit Against Humanity, 2005; p viii شاید توجه آنها به پیشینه داستان‌نویسی از زبان حیوانات در میان هندیان و همچنین وجود شخصیت «کلیله» در داستان باشد.

2-2. تاریخ ترجمه / اقتباس‌ها

تمرکز بر ستون دوم جدول یک نشان می‌دهد که در سده هشتم توجه به این داستان در ادب فارسی بیشتر است به گونه‌ای که سه روایت از این دوره پیدا شده: روایت *بستان‌العقول* (حدود 713ق)، روایت مندرج در *طرب‌المجالس* (حدود 718ق) و روایت مندرج در *کنوزالودیع* (764ق). جالب آنکه قدیم‌ترین ترجمه عبری این داستان هم از قرن چهارده میلادی است که مصادف با همین قرن می‌شود. آیا این امر، اتفاقی بوده یا دلیل خاصی داشته؛ مانند اینکه توجه به *رسائل إخوان‌الصفاء* یا در کل کتاب‌های اخلاقی در این دوره زیاد شده است. اخیراً نسخه‌ای از *رسائل* چاپ شده که تاریخ کتابت آن، سال 706 است. (ر.ک: *رسائل إخوان‌الصفاء*، 1396) دوره دیگری که باز توجه به این کتاب بیشتر شده، اواخر سلسله قاجار (1250 تا 1303ق) است. به نظر می‌رسد بعد از چاپ نخستین *رسائل إخوان* در اروپا (1805م/ 1220م) و بمبئی (1821م/ 1237ق) (ر.ک: بروکلیمان، همان و *رسائل إخوان‌الصفاء*، 1396: بیست‌وشش)، توجه به این داستان دوباره اوج گرفته چراکه همه ترجمه‌های دوره قاجار بعد از این تاریخ صورت گرفته است: ترجمه لالچی از اردو به فارسی: 1851م/ 1268ق؛ ترجمه از عربی به آلمانی دیتریسی: 1858م/ 1275ق؛ ترجمه لندز برگر از عبری به آلمانی 1882م/ 1300ق.

2-3. جغرافیای ترجمه / اقتباس‌ها

از میان سه روایت موجود از قرن هشتم، زنگی به مکان ترجمه (بغداد) صراحت دارد. (زنگی بخاری، 1374: 30) زمان و مکان نوشته شدن کتاب *طرب‌المجالس* مشخص نیست اما چون مزار هروی در

هرات است (میرحسینی هروی، 1352: شش)، می‌توان گمان زد که در همین شهر، کتاب را نوشته باشد. کتاب ابن ظافر هم چون به شاه شجاع (733-786ق) تقدیم شده (ابن ظافر، 1382: پانزده)، احتمالاً در شیراز تحریر گردیده است. روایت‌های دوره قاجار هم در مکان‌های مختلفی مانند هند (لکهنو) و تبریز و شیراز و تهران نوشته شده است.

2-4. وضعیت چاپ ترجمه / اقتباس‌ها

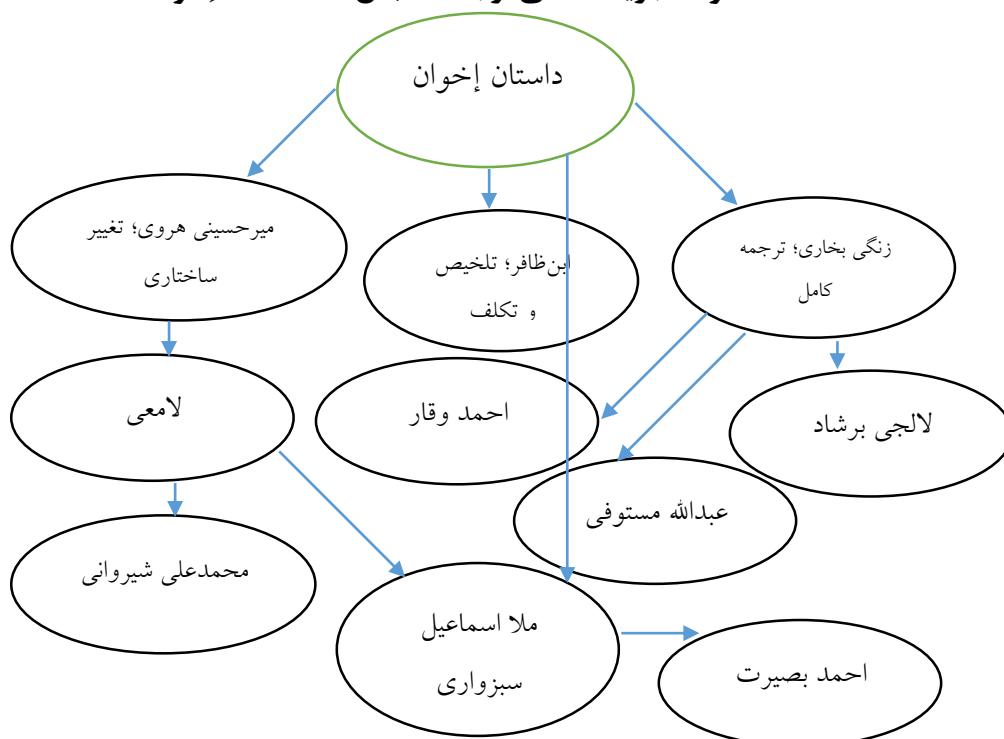
وضعیت چاپ این دوازده روایت گوناگون است: چهار روایت لامعی، شیروانی، عبدالغفار تبریزی و لالچی هنوز در ایران چاپ و نشر نشده‌اند. روایت احمد بصیرت (و علی اصغر پیش خدمت) فقط به صورت چاپ سنگی است. روایت سبزواری هم به صورت سنگی و هم به صورت معمولی چاپ گردیده است و سایر روایات نیز طبع معمولی دارند. عجیب است که هیچ کدام از روایات به چاپ دوم نرسیده‌اند. گو آنکه اگرچه نیاکان ما این داستان را پسندیده و چندین بار آن را روایت کرده‌اند، اما نسل جدید چندان علاقه‌ای به آن نشان نداده‌اند. گویا ذائقه پسند داستانی ایرانیان با گذشت زمان تغییر کرده است.

2-5. جریان شناسی ترجمه / اقتباس‌ها

در جریان شناسی این ترجمه / اقتباس‌ها با سه جریان اصلی و یک جریان التقاطی روبه‌رو هستیم: 1. ترجمه / اقتباس‌های به سبک زنگی بخاری (ترجمه کامل)؛ 2. ترجمه / اقتباس ابن ظافر شیرازی (ترجمه همراه با تلخیص)؛ 3. ترجمه / اقتباس‌های متأثر از روایت میرحسینی هروی؛ 4. ترجمه / اقتباس التقاطی سبزواری. از میان دوازده روایت، ترجمه زنگی کامل بوده و تقریباً در همان سبک مرسل رسائل است. ترجمه لالچی و مستوفی نیز تقریباً کامل بوده و نثر کتاب نیز ساده است. اما سبک ترجمه وقار مانند سبک ابن ظافر مصنوع است. ویژگی بارز ترجمه / اقتباس ابن ظافر به غیر از ریختن داستان در پیمانه سبک مصنوع و متکلف، تلخیص داستان است. متمایزترین ترجمه / اقتباس را در روایت هروی می‌بینیم. وی غیر از آنکه حجم روایت را به یک سوم کاسته، تغییرات فراوانی در ماجرای داستان و شخصیت‌ها و در ساختار آن داده است. در روایت او بسیاری از شخصیت‌های داستان اصلی حذف شده و بسیاری نیز تغییر کرده است. او بن‌مایه (Motif) سفر و صبر در راه سفر، رجوع به پیر، و ساختار دادگاه‌های هفتگانه را به داستان بخشیده است؛ بن‌مایه‌هایی که نشان از مشرب عرفانی - صوفیانه او دارد. روایت هروی را در اوایل قرن دهم، نویسنده و شاعر عثمانی، لامعی بورسوی برگرفته و با افزودن اشعار فارسی و ترکی و عربی و توصیفات زیاد به ترکی عثمانی ترجمه نموده است. در اواسط دوره قاجار محمدعلی شیروانی، متن ترکی

لامعی را دوباره با حذف و اضافات فراوانی به فارسی ترجمه کرده است. روایت ملا اسماعیل سبزواری روایتی التقاطی است. وی سعی کرده هر دو - سه جریان را در روایت خود ترکیب کند. از سویی روایت او مثل روایت ابن ظافر همراه با تلخیص است؛ از طرفی دیگر وی تلاش می‌کند ساختار دادگاه‌های هفتگانه هروی را با تقسیم داستان به هفت مجلس، حفظ کند. اما از جانی دیگر به متن عربی نیز علاقه دارد و بخش‌هایی از آن را در متن می‌آورد. چند سال بعد از نشر کتاب سبزواری، احمد بصیرت آن را با برخی حذف و اضافات به ترکی آذربایجانی برگردانده است.

نمودار جریان شناسی ترجمه/ اقتباس‌ها از داستان *إخوان الصفا*



بنابراین روایت ابن ظافر و هروی و سبزواری همراه با تلخیص فراوان است. روایت لالچی هم همراه با تلخیص است البته نه به اندازه روایات پیشین. روایت زنگی و وقار تقریباً حجمی برابر با روایت إخوان دارد. اما روایت لامعی و شیروانی همراه با تطویل گسترده است. از نظر سبک روایت، روایت ابن ظافر و لامعی و شیروانی و وقار در سبک مصنوع و متکلف است. روایت زنگی و لالچی و مستوفی، مرسل و ساده است. اما داستان سبزواری با لحن و زبان عامیانه روایت می‌شود. از میان این روایات دوازده گانه، سه روایت هروی و ابن ظافر و سبزواری درون متن و کتاب مفصل دیگری آمده اما سایر روایات، به صورت کتاب مستقل نوشته شده‌اند.

5-6. معرفی روایات دوازده گانه و بیان تفاوت آنها

داستان محاکمه انسان و حیوان هم در میان رسائل و هم چندین بار به صورت مستقل با عنوان‌های گوناگون چاپ شده است؛ مثلاً با عنوان *فی تداعی الحيوان علی الانسان عند ملك الجان* (1881) با مقدمه کوتاه آلمانی فریدریش دیترسی. اصل داستان در میانه جلد دوم رسائل و در پایان رساله هشتم (فی کیفیت تکوین الحيوانات و أصنافها) (رساله بیست و دوم از کل رسائل) آمده است. قبل از داستان بحث درباره پرندگان جفت‌گیری، چگونگی لانه ساختن و... است. (رسائل: 198) بعد از پایان داستان، نویسندگان اذعان می‌کنند که این داستان، پر از حکمت و اطلاعات است و نباید نویسندگان کتاب را به سبب درج این داستان ملامت کرد. (همان: 377) *مجمل الحکمه* که قدیم‌ترین ترجمه رسائل به زبان فارسی است، این داستان را نیاورده چرا که نویسنده ناشناس آن، داستان را مناسب متن علمی ندانسته است. (*مجمل الحکمه*، 1375: 6) نگارنده به دلیل رعایت اختصار و وجود منابع فراوان معتبر، به معرفی گروه إخوان الصفا و رسائل آنها نمی‌پردازد. توضیحات لازم درباره روایت عربی إخوان، هنگام مقایسه با دیگر روایات مخصوصاً روایت زنگی بخاری در پی خواهد آمد.

5-6-1. روایت زنگی بخاری با نام *بستان العقول فی ترجمان المنقول*

محمد بن محمود زنگی بخاری که در سده هفتم و هشتم در بغداد ساکن بوده و شغل کتابت داشته، نوشتن *بستان العقول* را در سال 713 ق به پایان برده است. (زنگی بخاری، 1374: 21 و 12) مقدمه *بستان العقول* بسیار مختصر (پنج صفحه) است: حمد تعالی، انگیزه مؤلف از ترجمه و مقایسه آن با *کلیله و دمنه*، و تقدیم کتاب به غازان خان مغول و وزیرش. نگاهی به فهرست کتاب، روشن می‌کند که ساختار روایت زنگی، به متن رسائل وفادار است.

داستان با بیان بیشتر شدن تعداد آدمیان و تسخیر حیوانات و فرار برخی حیوانات به بیابان و کوه آغاز می‌شود تا اینکه کشتی‌ای دچار طوفان شده و به جزیره جنیان می‌رسد. نام ملک جنیان، **بیوراسب حکیم** و لقبش، **شاهمردان** است. (همان: 36) «و دارالملک این پادشاه در جزیره‌ای بود «صاعور» نام». (همان: 37) همه اینها ترجمه روایت مأخذ است: «ثم إنه ولى على بنى الجان ملكاً منها يُقال له **بيراست الحكيم** لقبه **شاهمردان**. و كانت دار مملكت مردان فى جزيرة يُقال له **صاغون**...» (رسائل: 204) ملک وزیری فیلسوف به نام **پیروز** (زنگی بخاری، 1374: 64) دارد. این اسم در *رسائل «بیزار»* است (رسائل: 224) در چاپ دیترسی و چاپ هند نام پادشاه، «بیوراسب» است. (فی تداعی... ، 1881: 2؛ رساله من...، 1904: 9) در روایت وقار و لالچی نیز نام پادشاه «بیوراسب» ذکر شده؛ همین نکته این احتمال را تقویت می‌کند که آنها از چاپ‌های جدید استفاده کرده‌اند. در روایت *إخوان حیوانات ساکن جزیره هستند و در همان جزیره به درگاه ملک شکایت می‌برند.* (رسائل: 204؛ زنگی بخاری، 1374: 37) اما در روایت هروی حیوانات پس از سفری دورودراز مثل سفر پرندگان داستان *منطق الطیر*⁴ از پادشاه جنیان دادخواهی می‌کنند. بیشتر حجم داستان از این به بعد مناظره حیوانات و آدمیان است. مناظره‌ها با بیان خطبه‌ای تحمیدی آغاز می‌شود. خطبه روایات *إخوان و زنگی بخاری* کوتاه است. در روز اول خطیبی از «آل عباس» ادعای برتری آدمیان و مالک حیوانات بودن را مطرح می‌کند. (رسائل: 206؛ زنگی بخاری، 1374: 40) و نماینده حیوانات، استر، به آن پاسخ می‌دهد. پاسخ او بلند است در حدود دو-سه صفحه. پادشاه جنیان بعد از شنیدن ادعای مدعی و انکار مدعی⁵ علیه، قاضیان و مشاوران مملکت را به مشاوره می‌طلبد. (رسائل: 209؛ زنگی بخاری، 1374: 43) در مناظره دوم زعیم آدمیان بر اعتدال اندام انسان و نامتناسب بودن اندام حیوانات احتجاج می‌کند. (رسائل: 212؛ زنگی بخاری، 1374: 49) سپس دوباره بهایم دادخواهی می‌کنند و پادشاه بار دیگر، فقها و قضات جنیان از آل‌ناهد و آل‌بهرام و... را به مشاوره می‌طلبد. (همان: 64) ترجمه ابن‌ظافر از این بخش را با اختصار می‌آوریم: «ملک مثال داد تا قضات جن از آل **برجیس** و فقهای بنی **ناهد** و بنی **نیران** و حکمای آل **قمر** و علمای اولاد **کیوان** و ابنای بطن **بهرام** در مجلس حاضر آیند.» (ابن‌ظافر، 1398: 78) ظاهراً قبایل جن هر کدام به سیاره‌ای منسوب هستند و **برجیس** و **نیران** در روایت عربی (به‌جای **برجیس** و **نیران**) کج‌خوانی کاتبان باید باشد. بیشتر درباره ارتباط جنیان/پریان با افلاک سخن گفتیم. در روایت *إخوان* (و مترجمان دسته اول) ملک جن در جریان مناظره‌ها

حضوری فعال دارد و پیوسته وارد گفتگو می‌شود اما در روایت شاخه هروی پادشاه اغلب خاموش و شنونده است.

تعداد آدمیان حاضر در جزیره در روایت *رسائل* و همه روایات دیگر هفتاد تن هستند: «و كانوا سبعین رجلاً من بلاد شتی». (*رسائل*: 234؛ ابن ظافر، 1398: 69؛ وقار، 1372: 19) اما در ترجمه زنگی هفتاد و دو تن هستند: «و ایشان هفتاد و دو کس بودند که از شهرهای پراکنده جمع آمده بودند.» (زنگی بخاری، 1374: 79). این تفاوت مسلماً اتفاقی نیست چرا که باز در ادامه داستان همین اختلاف تعداد تکرار می‌شود. (*رسائل*: 278؛ زنگی بخاری، 1374: 129) این تفاوت می‌تواند ناشی از دست انداختن کاتبان شیعه بر نسخه زنگی بخاری باشد (همان مقوله «نقش ایدئولوژیک نسخه بدل‌ها!») یا اینکه مترجم از نسخه‌ای غیر از آنچه امروزه موجود است، استفاده می‌کرده است.

پس از طرح اولیه شکایت، بهایم پیک‌هایی به سوی شش گونه دیگر حیوانات (سباع، طیور و...) می‌فرستند تا آنها نیز علیه بنی آدم طرح دعوی کنند. (*رسائل*: 238؛ زنگی بخاری، 1374: 86) در این بخش، پادشاه هر گونه (مثلاً شیر پادشاه سباع)، بعد از رایزنی فراوان با دیگر حیوانات (پلنگ و گرگ و روباه و سگ و یوز و کفتار و خرس و...)، نماینده‌ای (کلیله) برای حضور در دادگاه انتخاب می‌کند. اما در روایت هروی پادشاه، تنها تصمیم‌گیرنده است و دیگران در انتخاب، نقشی ندارند. مشخص است روایت إخوان، با روحیه آزادی و دموکراسی بیشتر سازگار است و در روایت هروی، ساخت استبدادی و تک‌صدایی نمود می‌یابد. دیگر اینکه این امر باعث شده، تعداد شخصیت‌های فعال در روایت هروی بسیار کمتر از روایت اصلی باشد. در بستر این بخش، گویا نویسندگان *رسائل* می‌خواستند اطلاعات حیوان‌شناختی بیشتری ارائه بدهند؛ نکته‌ای که برخی محققان آن را هدف اصلی بیان این داستان می‌دانند. (مبارک: 1975: 271)

جدول شاه و وزیر و نماینده حیوانات در روایت إخوان و زنگی

گونه حیوانات	شاه	وزیر	نماینده
سباع	شیر	پلنگ	شغال / کلیله
طیور	شاه‌مرغ / سیمرغ	طاووس	هزارستان
حشرات	زنبور / نحل		خود زنبور
جوارح	عنقا	کر کدن / کر کس	بیغاء / طوطی

هوام	ثعبان	افعی	صُرُصُر (جیر جیرک)
حیوانات دریایی	تین		ضفدغ/ غوک

دادگاه اصلی در روایت شاخه اصلی در روز سوم تشکیل می‌شود و در این دادگاه شخصیت‌های زیر سخن می‌گویند: 1. مرد ایرانی‌شهری عراقی؛ 2. مرد هندی از جزیره سرن‌دیب؛ 3. مرد عبرانی از بنی اسرائیل بلاد شام؛ 4. مرد سریانی (نصرانی) از آل‌مسیح؛ 5. مرد عربی قرشی از تهامه؛ 6. مرد یونانی رومی؛ 7. مرد خراسانی از مروالشاہجان. (رسائل: 278 - 289؛ زنگی بخاری، 1374: 129-137) در روایت این شاخه هنگام معرفی حکیمان، اندکی درباره رنگ پوست و نوع مو و جنس و طرح لباس حکیمان توضیح داده می‌شود. آنگاه در حین خطابه، هر کس به مفاخر اساطیری و تاریخی کشور خود اشاره می‌کند؛ مثلاً ایرانی به اردشیر، هندی به بودا، مسیحی به مسیح و یونانی به بطلمیوس. باز این بخش داستان، بستری است تا در آن اطلاعات مردم‌شناختی و تاریخی ارائه شود. هروی این نکته مهم را کنار نهاده و در روایات او، همه سخنان از زبان همه حکیمان می‌تواند بیان شود.

تفاوت دو روایت إخوان و زنگی بخاری: در روایت زنگی بخاری گاه اطناب‌ها و توصیفاتی (مثل توصیف برآمدن خورشید) وجود دارد که روایت مأخذ خالی از آن است. روایت إخوان معمولاً خالی از استشهاد به شعر است (غیر از بخش انتخاب نماینده گونه پرندگان) اما روایت زنگی بخاری مخصوصاً در متن خطابه‌ها آراسته به ابیات فارسی و عربی است. البته استشادات شعری او (در مقایسه با ابن‌ظافر و لامعی) بسیار کم است.

5-6-2. روایت ابن‌ظافر شیرازی در کنوزالودیه با عنوان «حکایت حیوانات و تداعی و توافع^۵ بنی‌آدم با ایشان»^۶

کنوزالودیه من رموزالذریعه ترجمه کتاب الذریعه الی مکارم‌الشریعه راغب اصفهانی (متوفی 502ق) است که ابن‌ظافر شیرازی آن را در سال 764ق (ابن‌ظافر، 1382: پانزده) و چون کتاب به شاه شجاع، شاعر معاصر و ممدوح حافظ تقدیم شده، نویسنده معاصر و احتمالاً ملازم اوست. کتاب ابن‌ظافر ترجمه صرف نیست بلکه مترجم با افزوده‌هایی تقریباً حجم کتاب را به دو برابر کتاب راغب اصفهانی رسانده است. (همان: نوزده) یکی از این افزوده‌ها همین داستان است که در باب پنجم فصل اول درج شده. این باب (در بیان فضیلت انسان بر سایر حیوانات) در متن الذریعه بیش از دو صفحه نبود. (ر.ک: باغستانی و

مرتضایی، 1398: 175) مؤلف در اینجا مناسب دیده داستان *رسائل* را بر کتابش بیفزاید. همچنان که باغستانی و مرتضایی (1398: 173) نیز اشاره کرده‌اند مؤلف به ترجمه بودن داستان اشاره ننموده و فقط با جمله «در بعضی از رسایل قدمای حکما مسطور است» (ابن ظافر، 1398: 67) از بیان منبع رد می‌شود. باین حال شدت تشابه دو متن در برخی جاها هیچ شبهه‌ای مبنی بر ترجمه بودن داستان از *رسائل* باقی نمی‌گذارد. (ر.ک: باغستانی و مرتضایی، 1398: 176) از جدول یک و تعداد واژگان روایت، هویداست که ترجمه ابن ظافر همراه با تلخیص بوده و حجم داستان تقریباً به نصف کاسته است. پس طبیعی است که روایت او با روایت مأخذ تفاوت‌هایی داشته باشد. در این روایت، اسامی برخی شخصیت‌ها و حتی گاه نام نوع حیوانات، توضیحات مربوط به نمایندگان آدمیان و همچنین خطبه‌های تحمیدیه آغاز مناظره‌ها حذف شده است. پس می‌توان گفت بیشتر تغییرات ابن ظافر به سبب تلخیص اتفاق افتاده است غیر از مقوله سبک.

ویژگی کلی *کنوزالودیعہ* که استشهد به ابیات و آیات و... بوده (ابن ظافر، 1398: بیست و چهار) در نگارش این داستان نیز به چشم می‌خورد. درباره استشهدهای شعری عربی و فارسی چند نکته شایان ذکر است: استشهدهای این روایت، چندان هماهنگی‌ای با استشهدهای زنگی و هروی (دو روایت متقدم فارسی) ندارد و این، نشانه‌ای است که وی از دیگر ترجمه‌ها اطلاع نداشته است. دیگر اینکه اکثر استشهدهای فارسی در بحر متقارب و در لحن حماسی است. استشهد فراوان، کثرت واژگان دیرپای عربی و... باعث می‌شود نثر آن را در زمره متون مصنوع قرار دهیم. (ر.ک: باغستانی و مرتضایی، 1398: 175) در مقایسه با سایر روایات، روایت ابن ظافر، دشوارترین و مصنوع‌ترین روایت است و در این زمینه فقط روایت وقار به او نزدیک می‌شود.

5-6-3. روایت میر حسینی هروی در *طرب‌المجالس* با عنوان «در فضیلت و شرف انسان بر جمیع موجودات»

میر حسینی هروی متولد اواسط قرن هفتم در غور (مرکز افغانستان کنونی) است. وی بارها به هند سفر کرده و مدتی مقیم خانقاه شیخ مولتانی می‌شود. (میر حسینی هروی، 1352: پنج) وفات او در سال 718 و مدفنش در هرات است. (همان: شش) وی آثار نظم و نثر فراوانی در موضوع عرفان و تصوف دارد. روایت هروی از داستان محاکمه در قسم سوم *طرب‌المجالس* آمده. در آغاز داستان نویسنده اذعان می‌نماید که داستان را از اخوان برگرفته و تغییراتی در روایت اصلی داده: «... و بحث و مناظره جماعت

حیوانات با قوم مردم به نوعی دیگر ترتیب یافت.» (میرحسینی هروی، 1352: 66) گلچین معانی در مقاله‌ای دو روایت دیگر این شاخه داستان (روایت لامعی، شیروانی) را معرفی کرده و می‌گوید روایت هیچ‌کدام آنها به پای روایت هروی نمی‌رسد. (گلچین معانی، 1344: 76 و 77)

روایت هروی مخصوصاً در بخش‌های آغازین تفاوت آشکار با روایت إخوان دارد. بدین گونه که در این داستان، حیوانات بر ستم آدمیان تا زمان سلیمان صبر می‌کنند. روزی که می‌خواهند رهسپار دادخواهی شوند، شتر مرغ آنها را به مشورت کلاغ پیری در کوه دماوند می‌فرستد. بدین ترتیب، داستان رنگ گفتمان عرفانی می‌گیرد با عناصری مانند پیر و سفر. کلاغ می‌گوید تا دور نبی خاتم صبر باید کرد. در زمان پیامبر (ص) حیوانات نتوانستند اجتماع کنند تا اینکه در میان جنیان، پادشاهی عادل و «دادبخش» نام به حکومت رسید. (میرحسینی هروی، 1352: 73) روزی چند حیوان ماجرای دراز آزار آدمیان بر خود و نحوه گریختن از ستم آنان را بیان می‌کنند (میرحسینی هروی، 1352: 74) و در نهایت از زنبور راهنمایی می‌خواهند و او ملوک دادبخش را معرفی می‌نماید. خارپشت پیشنهاد می‌کند که ابتدا سفیری به دربار رود. اسب، زعیم بهایم، شتر را سفیر می‌کند. (همان: 83) بعد از رسیدن شتر و طرح شکوی، دادبخش به پادشاه شش گروه دیگر حیوانات پیک می‌فرستد که اگر شکایتی دارید در محکمه حاضر آید. (همان: 89) پس در این روایت، ملوک جنیان است که پیک می‌فرستد. هروی در این تغییر توجه داشته که رفتن پیک حیوانات به سرزمین‌ها و دریاها دور زمان‌بر است. بنابراین پیک را از جنیان در نظر می‌گیرد تا داستان واقعیت‌نمایی بیشتری داشته باشد. اسب رئیس بهایم است و شتر _ وزیرش _ نماینده این گونه برای دادگاه می‌شود. شاه و وزیر و نماینده شش گونه دیگر در جدول زیر می‌آید:

جدول شاه و وزیر و نماینده حیوانات در روایت هروی

گونه حیوانات	شاه	وزیر	نماینده
سباع	شیر	پلنگ	روباه
طیور	سیمرغ	طاووس	طاووس
جوارح	عقاب	شهباز	هما
حیوانات بحری	نهنگ	کوسج	کشف

هوام (حشرات موذی)	اژدها	ثعبان	عنکبوت
حشرات	زنبور	مگس/ نحله	مور

کل این بخش در روایت هروی پنج صفحه (89 تا 93) است حال آنکه در روایت إخوان مفصل بود. با مقایسه این جدول و جدول مشابه آن در روایت زنگی مشخص می‌شود نمایندگان حیوانات همگی تغییر یافته‌اند: روباه به جای شغال (کلیله)، و مور به جای زنبور و... با این تغییرات گو آنکه گاه از صبغه ایرانیست داستان کاسته شده (کلیله و هزارستان حذف شده)، مؤلف خواسته حیواناتی (مانند مورچه و عنکبوت) را به عنوان شخصیت داستانی به کار گیرد که زمینه داستانی بیشتری در روایات اسلامی داشته باشد. شاید این امر در راستای کمرنگ شدن تلمیح به اساطیر ایرانی در برابر اساطیر و داستان‌های سامی و عربی در ادبیات عرفانی بعد از قرن ششم باشد. (ر.ک: شمیسا، 1386: 44) همچنین مقایسه این دو جدول آشکار می‌کند هروی بر ساختار و نظام مرتب داستان تعمد داشته است. در روایت اصلی برخی گونه‌های حیوانات، وزیر نداشتند، اما در روایت هروی هر قسمی شاه و وزیر و نماینده‌ای جداگانه دارد.

بعد از رسیدن نمایندگان حیوانات، هفت مناظره بین حکمای هفت اقلیم و نمایندگان حیوانات در هفت روز برگزار می‌شود. ساختار هفت دادگاه بدین نظم و ترتیب در روایت إخوان وجود نداشت. در آنجا چند مناظره در روز اول برگزار می‌شود و چند مناظره در روز دوم و سوم. در روایت اخوان حدود ده- دوازده شخصیت انسانی سخن می‌گویند. (ر.ک: پروینی، 1430: 36) گاه یک شخصیت چندین بار وارد گفتگو می‌شود. اما در اینجا هر روز یک مناظره و هر مناظره بین دو شخصیت مشخص برپا می‌شود. هروی در شخصیت این حکیمان نیز برخی تغییرات ایجاد کرده است. نماینده آدمیان در مناظره سوم «حکیم ترک» است که در روایت مأخذ وجود ندارد. آیا بر اثر استیلای چندین صدساله ترکان بر جغرافیای وسیع جهان اسلام، هروی مناسب دیده که حکیمی نیز به این قوم اختصاص دهد یا صرفاً وجود حکمرانی ترک‌تبار در آن دوران هرات، انگیزه این تغییر بوده است یا مراد او از ترک، خطه خطا و ختن و چین بوده است. دیگر اینکه صبغه دینی و اقلیمی شخصیت حکیمان در روایت هروی کاهش یافته و چندان تأکیدی مثلاً بر یهودیت و مسیحیت حکیمان نمی‌شود و آنان نیز به مفاخر قومی خود نمی‌نازند. بدین ترتیب اطلاعات مردم‌شناختی و تاریخی اثر کمتر می‌گردد. در طی هفت دادگاه شتر با حکیم حجاز، مور با حکیم شام، روباه با حکیم ترک، عنکبوت با حکیم روم، کشف با حکیم عراق، طاووس با حکیم هند، هما با حکیم خراسان مناظره می‌کند. تقابل قرار دادن حکیم اقلیم‌ها با حیوان خاص، اتفاقی نیست و

هروی در این تقابل به ظرافت‌هایی توجه دارد؛ مثلاً ارتباط طاووس با هند روشن است. ارتباط عنکبوت با روم از آن جهت است که رومی به صنعت معماری خود افتخار خواهد کرد و عنکبوت هنر خانه‌سازی خود را پیش خواهد کشید.

بیشتر بخش‌های *طرب‌المجالس* با یکی - دو بیت شعر فارسی آغاز می‌شود. این ویژگی در روایت لامعی و شیروانی نیز وجود دارد. در *شرف‌الانسان* همه بخش‌ها با شعر ترکی که در ارتباط با ماجرای آن بخش است، شروع می‌گردد. اما در *شرف‌الانسان* همه بخش‌ها مشخصاً با ساقی‌نامه‌های نظامی یا دیگران آغاز می‌شود. در دادگاه نخستین، حکیم حجازی قدرت نطق و آیه «لقد کرّمنا» را دلیل برتری انسان می‌شمارد. (همان: 97 و 101) در روایت لامعی و شیروانی نیز همان مباحث مطرح می‌شود با استسهادهایی بیشتر به آیات و روایات. با آنکه ساختار و برخی شخصیت‌های داستان در روایت هروی عوض شده، اما محتوای گفتگوها و مناظره‌ها همان مطالب است که در روایت اصلی آمده است. مناظره پایانی بین هما و حکیم خراسانی صورت می‌گیرد. هروی حکیمی را که بر حیوانات غالب می‌شود، به اقلیم خود منسوب می‌کند: خراسان! همین وضعیت را دارد روایت شیروانی! در آنجا نیز هفتمین حکیم به اقلیم شیروان منسوب می‌گردد حال آنکه در روایت اصلی، خطیب حجازی بر حیوانات چیره می‌شود. مشخص است نویسندگان تعصبات حب‌الوطنی خود را دخالت داده‌اند. تبار دو روایت بعدی به همین روایت *طرب‌المجالس* می‌رسد.

5-6-4. روایت و ترجمه ترکی محمود بن عثمان لامعی بوسوی با نام «شرف‌الانسان»

ترک‌ها به داستان محاکمه علاقه خاصی داشته‌اند چراکه ایرج افشار خبر داده‌اند که نسخه خطی *بستان‌المقول* حواشی‌ای به زبان ترکی عثمانی دارد. (ر.ک: زنگی بخاری، 1374: 12) ظاهراً اولین بار سعید نفیسی (در حدود 1320ش) از وجود ترجمه لامعی خبر داده‌اند. (نفیسی، 1384: 112) بعد از ایشان، گلچین معانی (1344) بدین امر با توضیحات بیشتر پرداخته‌اند. *شرف‌الانسان* نسخه‌های خطی فراوانی دارد؛ ما در این تحقیق از نسخه کتابخانه مجلس استفاده کردیم. در سال‌های اخیر همشهری لامعی بوسوی، سعدالدین آگری، این کتاب را در دو جلد با خط لاتین به چاپ رسانده است. (Lâmi'î

(Çelebi, 2011) شیخ محمود بن عثمان (۸۷۷-۹۳۸ق) شاعر و نویسنده اهل شهر بوسای ترکیه که در طریقت پیرو نقشبندیه بود و در شعر از جامی تقلید می کرد، بسیاری از آثار جامی و برخی شاعران دیگر را به زبان و شعر ترکی عثمانی ترجمه کرده و کتاب هایی را نیز خود نوشته است. یکی از آثار او همین شرف/الانسان است. در آغاز کتاب پس از تحمیدیه، مدح پادشاه عثمانی و تقدیم کتاب به او (لامعی، ص 20) و آنگاه سبب تألیف کتاب می آید. (همان: صص 21 تا 40) بعد از این مقدمه طولانی، داستان آغاز می شود. لامعی نیز مثل ابن ظافر و وقار به منبع خود اشاره نمی کند. روایت این کتاب، ترجمه و اقتباس از روایت *طرب/المجالس* است با تغییرات اندک در بخش آغازین داستان: در این روایت (و روایت شیروانی)، داستان با بیان آفرینش آدم و رانده شدن از بهشت آغاز می شود (لامعی، ص 40 شیروانی، ص 61). بخش بعدی «بیان سلطنت کیومرث» است. (لامعی، همان: 54؛ شیروانی، همان: 65) این بخش ها در روایت هروی و سایر روایات پیشین نبود و لامعی مطالب آن را عمدتاً از کتاب *المعجم فی آثار ملوک/العجم* (حسینی قزوینی، 1383: 33 به بعد) برگرفته است. ماجرا تا کشته شدن سیامک پسر کیومرث به دست دیوان (جنیان) و انتقام کشیدن انسان ها از آنان (که برخی در جلد حیوانات رفته اند) ادامه دارد. تا اینکه زمان سلیمان فرا می رسد و حیوانات می خواهند از آزار آدمیان به او شکایت ببرند که کلاغ پیر مانع می شود. (لامعی، همان: 82؛ شیروانی، همان: 89) ادامه داستان همان روایت *طرب/المجالس* است منتها با تطویل و توصیف بسیار زیاد. نگاهی به عنوان بندی های فصل های دو کتاب نشان دهنده مقتبس بودن شرف/الانسان از داستان هروی است. کتاب در سبک مصنوع و متکلف است و پر است از استشهاد به آیات و روایات و ابیات ترکی و فارسی و عربی و توصیفات بسیار دراز.^۷ همین توصیفات و دیگر عوامل اطناب است که حجم داستان لامعی را بیش از سه برابر متن هروی کرده است. همه ابیات ترکی و برخی ابیات فارسی کتاب، از خود نویسنده است. حجم ابیات گاهی از چندین صفحه تجاوز می کند (همان چیزی که در روایت شیروانی نیز مکرر دیده می شود). یکی از روش های تطویل لامعی این است که جایی که هروی اشاره وار از مطلبی عبور می کند، او با همه طول و تفصیل آن را می آورد؛ مثلاً هروی در توصیف کلاغ پیر، اشاره می کند که از زمان قایل حضور داشته. لامعی کل آیات و ماجرای نزاع هابیل و قایل و یاد گرفتن چگونه دفن کردن مرده از کلاغ و ... را می آورد. تفاوت دیگری که روایت لامعی (و شیروانی) با دیگر روایات دارد، این است که در جریان مناظرات لامعی و شیروانی به اقوال مشایخ نیز استناد می کند. این ویژگی، رنگ عرفانی این دو اثر را بیشتر می کند.

5-6-5. روایت محمدعلی بن اسکندر شیروانی با نام *شرافت/الانسان*^۹

محمدعلی بن اسکندر شیروانی گرچه زاده شیروان (در کشور آذربایجان کنونی) در سال 1195 است، ولی دوران کودکی و رشد خود را در کربلا گذراند. او از حدود سال 1224 به سفرهای دورودراز پرداخت و اکثر دنیای اسلام را گشت. وی حدود چهار سال ساکن استانبول بود و در این شهر کتاب *کیمیاء الشفا* را از ترکی عثمانی به فارسی ترجمه کرد (شیروانی، نسخه خطی *کیمیاء الشفا*، ص 2). هر چند شیروانی در کتاب *شرافت/الانسان* به مترجم بودن اثرش اشاره‌ای نمی‌کند ولی به احتمال زیاد در همین زمان سکونت در استانبول یا در زمان سکونت شش ماهه در قونیه (شیروانی، ص 46) به این کتاب دست یافته و ترجمه کرده است. همچنان که گلچین معانی (1344) خیر داده‌اند این کتاب در بخش‌های عمده‌اش ترجمه کتاب *شرف/الانسان* لامعی است. ولی چنان نیست که همه کتاب عیناً ترجمه لفظ به لفظ باشد. شیروانی اغلب الفاظ و جملات را برای ایجاد سجع و جناس تغییر می‌دهد؛ ابیات ترکی روایت لامعی را حذف کرده و گاه به جای آنها ابیات فارسی می‌نماید؛ گاه به جای استشهاد به آیه و روایت لامعی، به آیه و روایت دیگری استشهاد می‌نماید؛ گاه برخی تغییرات می‌دهد که جنبه ایدئولوژیک دارد؛ مثلاً جایی از مقدمه که لامعی به اصحاب پیامبر تحیت می‌فرستد (لامعی، ص 8) در روایت شیروانی حذف شده و به جای آن، فصلی جداگانه در مدح علی (ع) آمده است. (شیروانی، ص 12) یا در جایی از داستان، که درباره ارزش مشورت سخن به میان می‌آید، لامعی می‌نویسد بیشتر مشورت پیامبر با خلیفه دوم بود. (لامعی، ص 168) این بخش باز در ترجمه شیروانی (ص 154) حذف شده است. این خود می‌تواند نمودی از همان «نقش ایدئولوژیک نسخه‌بدل‌ها» باشد که استاد شفیع کدکنی (1383) بدان پرداخته‌اند.^۹

ترتیب تبویب *شرافت/الانسان* و عناوین آن برگرفته از لامعی است.^{۱۰} شیروانی خطبه‌های آغازین مناظره‌ها را از نهج البلاغه انتخاب می‌کند و اشعار مدحی این بخش نیز غال با از دیوان انوری است. حال آنکه در *طرب‌المجالس و شرف/الانسان* خطبه منثوری (چه فارسی چه عربی) وجود نداشت و هر نماینده بعد از خواندن چند بیت مدحیه یا تحمیدیه، به اصل سخن می‌پردازد. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که شیروانی در ترجمه خود روایات دیگر را نیز در نظر داشته چون در روایت *إخوان* نیز نظیر این خطبه‌ها وجود دارد. از مناظره دوم به بعد، صبغه عرفانی روایت شیروانی بیشتر می‌شود و مکرر موضوعات تخصصی عرفان (مثل فنا و بقا و ولایت) وارد بحث می‌شود؛ چراکه در اینجا جدال بر سر حسن صورت و سیرت است. درست است که داستان حتی در روایت *إخوان* نیز ظرفیت طرح موضوعات گوناگون

عرفانی را دارد اما در روایت هروی و لامعی بر حجم این گونه مطالب افزوده شده و البته سهم خود شیروانی در این برافزودن‌ها بسیار زیاد است. تقریباً از ص 340 تا پایان کتاب (ص 521) روایت داستان تمام شده و نویسنده صرفاً سؤال‌هایی عرفانی از زبان هما می‌پرسد و حکیم شیروان بدان‌ها پاسخ می‌دهد پاسخ‌هایی که غالباً برگرفته از آثار جامی و دیگران است.

5-6. روایت عبدالغفار بن عبدالشکور تبریزی با عنوان رساله رعدوبرق

تنها نسخه خطی رساله رعدوبرق در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران نگهداری می‌شود که به خط خود مؤلف و تألیف 1265ق است. (عبدالغفار بن عبدالشکور تبریزی، پشت جلد) از احوال مؤلف اطلاعی در دست نیست. ماجرای این کتاب، اقتباس بسیار آزاد از داستان محاکمه است چراکه سیر داستان و شخصیت‌ها و زمان و مکان کاملاً متفاوت از داستان إخوان است و فقط برخی مضامین آن و نیز این چالش اصلی که انسان به چه دلیلی اشرف مخلوقات خوانده می‌شود، با داستان محاکمه همانندی دارد. از همین روی است که در دسته‌بندی انواع ترجمه/اقتباس‌ها این کتاب را مطرح نکرده‌ایم. در این داستان، از میان حیوانات، خر و خز و گوسفند و کرم پيله؛ و از معدنیات طلا پیش فقیه دنیاطلبی رفته و از او درباره علت برتری انسان می‌پرسند. (ص 20) ابتدا خر می‌پرسد درحالی که خدا گفته «اولئک کالانعام» چرا آدمیان چنین ادعایی دارند؟ خر از فراست خود و فایده حیوانات می‌گوید که شبیه آن مضامین در داستان إخوان هم بیان شده است. در بخش دوم، کرم پيله (ص 39) و در بخش سوم خز (ص 52) و در بخش چهارم گوسفند سخن می‌گوید. موضوع سخنان تکراری و همان تقبیح غرور و حب دنیا و... است. بخش پنجم (در معاتبات طلا) بیشترین تفاوت را با داستان إخوان دارد چراکه در آنجا از معدنیات سخنی به میان نیامده بود. طلا نیز فقیه و آدمیان را به سبب دوستداری دنیا سرزنش می‌کند. (ص 80) در نهایت فقیه پاسخ می‌دهد که ارزش نوع انسان، به سبب وجود اولیاست. (ص 90) پس از شنیدن اوصاف اولیا، حیوانات می‌پذیرند که انسان اشرف مخلوقات است. (ص 97) این پایان‌بندی داستان نیز شبیه پایان داستان إخوان‌الصفاست.

سبک کتاب گاه مرسل و گاه مسجع است. از کاربرد واژگان دشوار در آن خبری نیست. ابیات فارسی و عربی ساده از شاعران مختلف مثل مولوی و سعدی در متن دیده می‌شود. برخلاف روایات پیشین، روایت این کتاب پیوسته نیست و اغلب حکایاتی در میان داستان می‌آید. داستان کنش ندارد و صرفاً سخنانی است که از زبان شخصیت‌ها ادا می‌شود.

5-6-7. روایت و ترجمه از متن اردوی لالچی بن ستیل پرشاد با عنوان *مناظره الحیوان*

تا آنجا که نگارنده اطلاع دارد از این کتاب حداقل دو نسخه خطی وجود دارد که یکی در کتابخانه مجلس ایران و دیگری در کتابخانه دانشگاه پنجاب نگهداری می‌شود. (نوشاهی، 1390: ج 1، 290) لالچی در آغاز کتاب اندکی درباره خود سخن می‌گوید (ص 3) و یادآور می‌شود که ترجمه این کتاب از روی نسخه مترجم اردوی مولوی اکرام علی خیرآبادی در سال 1851م/ 1268ق صورت گرفته است. (لالچی، ص 10) وی خود در آغاز و پایان کتاب، از آن با نام «مناظره الحیوان» یاد می‌کند. (لالچی، ص 16 و ص 242) علی‌رغم ترجمه دوباره بودن متن (از عربی به اردو و از اردو به فارسی) مروری بر عناوین فصل‌های کتاب، روشن می‌کند که کتاب چندان تفاوتی با روایت اصلی إخوان ندارد. چون متن کتاب مترجم از اردو است، به‌درستی نمی‌توان ارزیابی نمود که اختلافات در روایت، از آن نویسنده است یا در منبع او نیز همین‌گونه بوده است. در بیشتر بخش‌های کتاب چنین احساس می‌شود که ترجمه به مضمون انجام گرفته است. ترجمه متن همراه با تلخیص است. این، امری است که خود مترجم در مقدمه به آن تصریح دارد: «... و مضامینی که در ترجمه اردو ذکرش به تکرار آمده بود، زائد دانسته، داخل این تحریر نساختم.» (ص 16) این قدر هست که مترجم بسیاری از بخش‌ها مخصوصاً بخش‌هایی را که حاوی خطبه بوده و چندان نقشی در سیر و روند داستان نداشته، حذف یا تلخیص نموده است.

مناظره الحیوان متنی ساده و روان دارد مثل روایت عربی إخوان؛ اما گهگاه از سجع بی‌بهره نیست. این کتاب هم مثل متن اصلی، خالی از استشهاد شعری است. باینکه هنوز کتاب لالچی تصحیح و چاپ انتقادی نشده، یکی از خوش‌خوان‌ترین روایات از این داستان است. از نظر سبکی وجود برخی ترکیبات خاص و غیر رایج در جغرافیای امروزی ایران، در روایت لالچی خودنمایی می‌کند: حیوانات (ص 21)، مکانات خاطر خواه (30)، خودها: خودشان (32)، انسانان (45)، اراکین (136)، لواحقین، توابعین (جمع‌الجمع‌های غیر رایج) (198)، عصابردار (در ترجمه منادی) (231)، کاشتکاران (393).

درباره تبارشناسی این روایت باید گفت از قرائن حتمی درون‌متنی آشکار می‌شود که مترجم اردو (و شاید لالچی) و احمد وقار از یک نسخه (شاید همان نسخه چاپی اوایل قرن نوزدهم هند) برای ترجمه استفاده کرده‌اند. دلیل آن، تشابه فراوان اسامی خاص نادر در این دو روایت است؛ مثل بیوراسب، فیروز، بلاصاغون (لالچی، ص 28) نه «صاغون یا صاعور»؛ شبیه ضبط چاپ هند (رساله من...، 1904: 9) و چاپ دیترسی. (فی تداعی...، 1881: 2) اسم تامسطوس نیز در این دو روایت مشترک است (لالچی،

ص 254؛ وقار، 1372: 208) در حالی که این اسم، در نسخه عربی مشهور «مسیطوس» (إخوان، 1992: ج 2، 288) و در روایت زنگی (1374: 135) «باسطوس» بوده است. همچنین نام جَنّی که تخت بلقیس را به سلیمان آورده، در روایت إخوان «ضطر بن مایان» (رسائل: 231) است اما در روایت لالچی و وقار اصطوس بن ایوان (لالچی، ص 116؛ وقار، 1372: 98) و در چاپ دیترسی هم شبیه همین نام آمده است. (فی تداعی...، 1881: 24). دلیل دیگر اینکه در هر دو روایت، بخش معرفی تنین قبل از عنقا است؛ (وقار، 1372: 219؛ لالچی، ص 262) از دیگر شباهت‌های دو ترجمه این است که در متن اصلی إخوان، دو بار نام قبایل جن آمده اما لالچی و احمد وقار فقط یک بار آورده‌اند.

5-6-8. روایت احمد وقار شیرازی با نام مرغزار؛ محاکمه انسان و حیوان

احمد وقار (1232-1298ق) فرزند وصال شیرازی که بیشتر عمر خود را در شیراز گذرانده و همان‌جا مدفون شده (وقار: 1372: 8) راوی دیگر این داستان است. چون متن مرغزار بدون مقدمه است، در جایی اشاره‌ای به منبع اثر یا مترجم بودن آن نمی‌یابیم. البته مصحح بر این باور است که ظاهراً وقار داستان را مستقیماً از رسائل برگرفته است. (همان: 2) این روایت نیز پر است از اشعار فارسی و عربی. بیشتر ابیات فارسی، سروده خود نویسنده است.

حجم صفحات و کلمات روایت احمد وقار بیشتر از داستان اصلی است. غیر از افزودن اشعار فراوان، دلیل دیگر آن، توجه به سجع و جناس و ایجاد ترکیبات مترادف؛ و دلیل دیگر، توصیفات دورودراز است؛ مثلاً در جایی از داستان که علت اختلاف بنی آدم و بنی جان می‌آید، چندین صفحه توصیف بهشتی که آدم و زوجه‌اش ساکن آن بودند، آمده است. (همان: 81) سبک روایت وقار بیشتر از لامعی و شیروانی تکلف و تصنع دارد و از این نظر به سبک ابن ظافر نزدیک می‌شود.

5-6-9. روایت ملا اسماعیل سبزواری در بخشی از کتاب مجمع‌النورین

روایت مجمع‌النورین ساختاری خاص دارد: تقسیم داستان به هفت مجلس. در پایان هر مجلس، نویسنده به مصائب اهل بیت گریز زده و مطالبی در مرثیه آن‌ها می‌آورد. از مقدمه کتاب برمی‌آید که ملا اسماعیل سبزواری (متوفی 1312ق) این کتاب را در دوره ناصری نوشته چراکه در آغاز کتاب او را مدح کرده (سبزواری، 1310: 3) و در همین جا به اقامتش در تبریز، مقر ولیعهد، مظفرالدین شاه، و نوشتن این کتاب و تقدیم آن به او تصریح دارد. (همان) این روایت در هفت مجلس آغازین مجمع‌النورین آمده است. (مجموع کتاب، بیش از نود مجلس است). در این روایت، حیوانات بعد از قتل هابیل توسط قابیل، از

آدمیان گریزان می‌شوند تا اینکه در زمان کیومرث، وی حیوانات را به هفت بخش تقسیم می‌کند و پادشاهی هر کدام را به حیوانی می‌دهد. (همان: 26) آدمیان آزار بر حیوان را آغاز کردند... روزگار گذشت و دور پیامبر (ص) آمد. او «زردشت حکیم» را پادشاه جنیان کرد. (همان: 27) آنها در جزیره‌ای اقامت داشتند تا اینکه کشتی‌ای تجاری دچار طوفان گردیده و... (همان) گفتیم سبزواری در پایان هر بخش، زمینه را طوری می‌چیند که به حادثه کربلا گریز بزند. گریز مجلس اول بدین گونه است: پادشاه جنیان رحیم بود و از شنیدن شکایت حیوانات به گریه افتاد اما حارث از شنیدن ناله طفلان مسلم، دلش به رحم نیامد. مؤلف در مجلس بعد داستان را ادامه می‌دهد با این تفاوت که مثل همه خطیبان، کلام را با تفسیر آیه‌ای آغاز می‌کند. این آیات چنان انتخاب می‌شوند که با مضمون داستان در ارتباط باشند. دو طرف مناظره در روایت سبزواری این شخصیت‌ها هستند: مردی خراسانی - استر (همان: 33)؛ مرد یونانی - استر (همان: 35)؛ مردی از اهالی مغرب - اسب (همان: 39)؛ حکیم خوارزمی - روباه (همان: 40)؛ مرد هندی - خرگوش (همان: 41)؛ حکیم عراقی - اشقر [حیوانی عجیب‌الخلقه در چین بزرگ‌تر از گوسفند] (همان: 47)؛ عالم حجازی - اشقر (همان: 49)؛ حکیم عراقی - کلیله و ضفدغ (همان: 57) و 58) در مجلس هفتم هم مرد خراسانی خطابه می‌خواند و استدلال نهایی را بیان می‌کند. (همان: 61) همچنان که نام طرفین مناظره نشان می‌دهد، نویسنده برخی شخصیت‌های داستان را تغییر داده و در این تغییر توجه نداشته که قرار بود هر کدام از شخصیت‌ها نماینده گونه خاصی از حیوانات، و هر کدام از حکیمان به یکی از اقالیم هفتگانه منتسب باشند. با وجود تغییر شخصیت‌ها البته بیشتر موضوعاتی که مطرح می‌شود، همان مطالب منابع است غیر از اینکه گاه تفصیل زیاد دارد و گاه با استدلال‌هایی غیر از روایت منابع طرح و رد می‌گردد.

از نظر سبک، ترجمه نویسنده اغلب همراه با عبارات زبان محاوره‌ای است: «اینها دست از سر ما بر نمی‌دارند»، «اگر از احوال ما مطلع شوی بر ما گریه‌ات می‌گیرد»، (همان: 27) «پول دستی به آن شخص بدهد» (همان: 32) «سییل او را چرب کنند» (همان: 35) «خجالت نمی‌کشید از این حرف‌هایی که می‌زنید». (همان: 58) روایت این کتاب نیز به ابیات فارسی و گاه ابیات و احادیث و اقوال ساده عربی آراسته است. برخی ابیات فارسی محتوا و زبان عامیانه دارد و البته استشهاد به اشعار مولوی و سعدی و ... نیز کم نیست.

از نظر تبارشناسی این روایت، تباری چند رگه دارد: سبزواری متن روایت را مستقیماً از متن عربی برگرفته است اما ساختار و ترتیب حوادث آن را رعایت نمی‌کند. باری، اشاره به پادشاهی کیومرث در آغاز داستان، نشان می‌دهد که سبزواری از روایت ترکی لامعی مطلع بوده است چون فقط در روایت لامعی (و ترجمه شیروانی) است که شخصیت کیومرث در داستان حضور دارد. او نیز به گونه‌ای سعی می‌کند ساختار هفت دادگاه هروی و لامعی را در هفت روز روایت کند. قرینه دیگر اینکه در روایت او هم مثل روایت هروی و لامعی، حکیم هفتمین روز که بر حیوانات در مناظره غلبه می‌کند، حکیم خراسانی نه حجازی. (همان: 61) بدین ترتیب می‌توان گفت که سبزواری محتوای روایت را از إخوان برگرفته ولی سعی کرده آن را در ساختار هفت دادگاه روایت هروی و لامعی دریاورد. پرواضح است که سبزواری متن روایت إخوان را پیش چشم داشته چراکه پیوسته از آغاز تا پایان داستان، عبارات عربی آن را عیناً یا با اندکی اختلاف می‌آورد و ترجمه می‌کند. باین همه منظور این نیست که کار سبزواری ترجمه صرف است. غیر از گریزهای فراوان به زندگی و مرثی‌های اهل بیت، ترجمه او از ماجرای داستان نیز همراه با حذف و اضافات فراوان است. گاه این تغییرات به اندازه‌ای زیاد است که باید آن را بازآفرینی داستان نامید. وی گاه ماجراها و گفتگوهای را وارد داستان می‌کند که در روایات منابع وجود ندارد. او گاه به مناسبت موضوع، حکایتی کوتاه وارد داستان می‌کند؛ مانند رحم آوردن سلطان محمود به آهوی بچه‌دار (سبزواری، 1310: 30) گاه حکایتی از *بوستان و گلستان* (همان: 39) و اکثر، داستان پیامبران مثل داستان رفتن گرگان کنعان به پیش یعقوب. (همان: 43) از این جهت می‌توان گفت که روایت سبزواری بیشترین تفاوت را با روایت إخوان دارد (بدون در نظر گرفتن روایت *رعده‌وبرق*).

از مختصات ویژه روایت سبزواری (و ترجمه ترکی احمد بصیرت) آن است که وی گهگاه موضوعات و مباحث روز را وارد داستان هزارساله می‌کند؛ نظیر اینکه «در فرنگستان، پول می‌گیرند و حرف می‌زنند» (منظور: حق‌الوکاله یا حق‌المشاوره) یا اینکه حیوانات تصمیم می‌گیرند باهم مشورت کرده و «به‌طور پلتیک صحبت بدارند». (همان: 32) سبزواری گاهی هم تغییراتی در روایت می‌دهد که از چشم‌انداز عناصر داستانی، درخور توجه‌اند؛ مثلاً در توصیف جزئیات صحنه‌ها گویی مبحث واقعیت‌نمایی را در نظر دارد و بعضی توصیفات برای ایجاد تعلیق است. برخی تغییرات نیز از آن روی است که داستان برای مجلس وعظ آماده شود. به همین سبب نویسنده بر جنبه پندآموزی آن با افزودن آیات و احادیثی از زبان شخصیت‌های داستانی افزوده است.

5-6-10. چاپ مستقل روایت مندرج در *طرب‌المجالس* توسط *علی اصغر پیشخدمت* با

نام «نطق صامت»

به نوشته ایرج افشار در مقدمه *بستان‌العقول* «ساله حیوان... دو بار دیگر نیز موضوع ترجمه و تألیف قرار گرفته است. یکی آن است که به نام *نطق صامت*... چاپ سنگی شده و... ممکن است نوشته علی اصغر پیشخدمت باشد...» (ر.ک: زنگی بخاری، 1374: 24؛ *مجم‌الحکمه*، 1375: 381) اما باید دانست روایت این کتاب تألیفی جداگانه نیست بلکه همان‌طور که باغستانی و مرتضایی (1398: 171) نیز دریافته‌اند صرفاً چاپ مستقل فصل سوم کتاب *طرب‌المجالس* است بدون هیچ گونه تغییر. البته باید توجه داشت که چاپ این کتاب در دوره مظفری پراهمیت بوده به گونه‌ای که در کتاب *مرآت‌الوقایع* خبر چاپ سنگی آن جزو وقایع سال 1323 ق ذکر شده است. (سپهر، 1386: ج 2، 940)

5-6-11. ترجمه ترکی احمد بصیرت از روایت *مجمع‌النورین* با نام *مرافعه حیوانات*

مترجم در مقدمه کتاب، خود را «احمد بصیرت» معرفی کرده و اذعان می‌نماید داستان را در بین تألیفات ملا اسماعیل سبزواری خواننده و «محبت‌نوع و تعصب‌ملیت» باعث شده آن را از فارسی به ترکی ترجمه نماید تا عوام‌الناس آن را خواننده و فایده‌برند. (بصیرت، 1332: 2) از این احمد بصیرت چندان نامی در میان منابع نمی‌توان یافت غیر از آنکه کاتب چند کتاب چاپ سنگی در تبریز بوده است. (ر.ک: مشار، 1340: ج 1، 245؛ همو، 1353: ج 4، 4743) ترجمه بصیرت کاملاً منطبق با روایت سبزواری و تحت‌اللفظی نیست. مثلاً در همین آغاز روایت، او معنی و لقب کیومرث، و اسم و لقب اسب و شیر را حذف کرده است (ر.ک: سبزواری، 1310: 26؛ بصیرت، 1332: 5) وی حکایاتی را بر روایت می‌افزاید که در روایت سبزواری وجود ندارد؛ مانند حکایت دو نفر که هر دو به قاضی رشوه داده بودند. (همان: 95 تا 101) او گاه داستان را قطع کرده و چندین صفحه درباره موضوعی بحث می‌کند؛ مثلاً در صفحه هفده، 7-8 صفحه درباره ارزش علم سخن می‌گوید. بصیرت نیز گاهی مثل سبزواری مسائل روز را وارد کتاب می‌کند؛ مثلاً در جایی سخن را به آموزش زبان فرنگی از سنین خردسالی کشانده و از این امر انتقاد می‌نماید. (همان: 81 تا 83) او گاه به مناسبت موضوع، مثلی یا شعری ترکی وارد متن می‌کند.¹¹ در واقع می‌توان گفت ترجمه بصیرت اصلاً یکدست نیست. گاه ترجمه او دقیقاً تحت‌اللفظی می‌شود (مقایسه شود: سبزواری، 1310: 28؛ با: بصیرت، 1332: 11) و گاه نقل به مضمون است. گویا احمد

بصیرت ابتدا چند صفحه را ترجمه تحت‌اللفظی می‌کند. سپس از این‌گونه ترجمه خسته شده، چندین صفحه را خوانده، نقل به مضمون می‌نماید. همین امر باعث می‌شود در ترجمه بصیرت ترتیب مجالس و جای حضور شخصیت‌ها در داستان به هم بخورد و درنهایت، کتاب او دارای هشت مجلس بشود! (همان: 180) بیشترین مطالبی را که بصیرت حذف کرده، مراثی پایان مجالس و بسیاری از داستان‌های انبیا و ائمه است که صرفاً مناسب مجالس منبری بود. بصیرت برخی امثال و ایات فارسی و همچنین آیات و عبارت عربی را در متن نگه داشته، گاه ترجمه ترکی آنها را می‌آورد و گاه نمی‌آورد. گاهی هم به ترجمه ترکی آنها بسنده می‌کند. وی به‌ندرت متن عربی روایت إخوان را که روایت سبزواری پر از آن است، ذکر می‌کند. (همان: 23؛ سبزواری، 1310: 29)

5-6-12. ترجمه عبدالله مستوفی به نام محاکمه انسان و حیوان

عبدالله مستوفی (1257-1329ش)، از نویسندگان دوران قاجاری و پهلوی، در سال‌های 1320 و 1321ش این کتاب را با نام محاکمه انسان و حیوان ترجمه کرده است. (مستوفی، 1324: 247) مقدمه کوتاه و پنج صفحه‌ای این کتاب، درباره چرایی شکل‌گیری إخوان‌الصفاست. (همان: 4) مستوفی برخلاف دیگران از آغاز رساله بیست و دوم شروع به ترجمه می‌کند نه از بخش آغاز داستان. بنابراین بعد از 37 صفحه، داستان محاکمه آغاز می‌شود. در این کتاب نیز نام پادشاه جنیان، **بیوراست** است و نام جزیره، صاغون. (همان: 39) برخلاف روایت وقار و لالچی، بخش فراخواندن سران قبایل جنیان اعم از بنی‌ناهدیم و... دو بار در داستان آمده مانند روایت مأخذ. (همان: 45) همین قرائن نشان می‌دهد مستوفی از متنی قدیم استفاده می‌کرده چراکه مثل اکثر متن‌های مترجم دوره قاجار، نام شاه، **بیوراسپ** و نام جزیره **بلاصاغون** نیست. از مشخصات بارز ترجمه مستوفی، این است که برخلاف سایر روایت‌ها (غیر از یکی دو آیه) اصلاً در کتاب، متن عربی وجود ندارد.

وفاداری مستوفی به متن منبع، بی‌گمان بیشتر از همه مترجمان است مخصوصاً در بخش خطبه‌ها.^{۱۲} اما باز در اینجا نیز برخلاف آنچه شکل و شمایل کتاب و رعایت دقیق عنوان فصل‌های متن مأخذ نشان می‌دهد، نباید پنداشت که با ترجمه کاملاً تحت‌اللفظی سروکار داریم. همچنان که از جدول شماره یک پیداست، تعداد کلمات ترجمه مستوفی حدود بیست هزار کلمه بیشتر از روایت إخوان است. همین امر نشان می‌دهد که - علاوه بر اجتناب‌ناپذیری افزون شدن تعداد کلمات زبان فارسی در ترجمه زبان عربی - ترجمه مستوفی، همراه با توضیح است. البته این توضیحات، برای ساده‌سازی و تفهیم سریع بر متن افزوده

شده نه اینکه مثل دیگر راویان برای توصیف بیشتر یا آراستن متن به صنایع بدیعی باشد. همچنین مستوفی ملزم نمی‌داند همه مفردات و مترادفات متن منبع را تک‌به‌تک به فارسی ترجمه نماید؛ مثلاً باز در همین صفحات، وی در ترجمه «... البراری البعیده و الآجام و الدحاح و رروس الجبال» (رسائل: 204) به «بیابانها و کوهها» (مستوفی، 1324: 40) بسنده کرده است. باید توجه داشت که هر چه پیشتر می‌رویم، تغییرات مستوفی در متن مأخذ، کمتر شده و به ترجمه تحت‌اللفظی نزدیک‌تر می‌شود.

از نظر سبک‌شناختی گاه برخی تعبیرات عامیانه در ترجمه مستوفی به چشم می‌خورد مانند «از راه خود پرت شده»، «تازه‌واردها» و «این آقایان» (همان: 39 و 40) اما این نزدیکی به زبان عامیانه، هرگز به اندازه روایت سبزواری نیست. به عبارتی دیگر، در اغلب بخش‌ها متن، زبانی رسمی و ادبی دارد. با این تفصیل می‌توان گفت که مستوفی چندان دخل و تصرفی در روایت إخوان نکرده و ترجمه او وفادارترین ترجمه به منبع است.

3. نتیجه‌گیری

داستان محاکمه انسان و حیوان در دادگاه جنیان از چشم‌اندازهای گوناگون مانند حقوق حیوانات، گونه‌شناسی حیوانات در دنیای قدیم، ظرفیت‌های بازتولید داستان در ژانر ادبیات کودک، و تولید سینمایی و انیمیشنی از آن، همچنین تحلیل گفتمان، مناسبات قدرت و دموکراسی و نیز گرایش‌های اومانستی قابل طرح و بررسی است. همین ظرفیت‌های گوناگون باعث شده که این داستان در دنیای قدیم مثل افسانه‌های هزارویک شب، و کلیله و دمنه در میان مردمان مختلف دنیا محبوبیت داشته و به زبان‌های مختلفی ترجمه شود. قدیم‌ترین روایت از این داستان که گمان می‌رود تباری باستانی داشته باشد، به زبان عربی و در رسائل إخوان الصفاست. ایرانیان نیز این داستان را بسیار می‌پسندیدند چرا که علاوه بر سه چهار ترجمه و اقتباس جدید، بیش از دوازده ترجمه و اقتباس از آن در ادبیات کلاسیک وجود دارد. این ترجمه و اقتباس‌ها در چهار شاخه مختلف قابل طبقه‌بندی است: ترجمه کامل (مثل ترجمه زنگی بخاری و عبدالله مستوفی)، ترجمه همراه تلخیص (ترجمه ابن ظافر شیرازی)، روایت دگرگون‌شده میرحسینی هروی و روایت التقاطی ملا اسماعیل سبزواری از دوره قاجار. سبک نثر این دوازده روایت متفاوت است: برخی مثل اصل عربی آن، ساده و مرسل است؛ برخی مصنوع و متکلف، و برخی زبان محاوره‌ای و عامیانه دارد که به نوبه خود ذوق و پسند نویسندگان و خوانندگان ادوار مختلف را آینه‌نگی می‌کند. در این تحقیق تلاش

شد نگاهی کلی به همه دوازده روایت بیندازیم و وجوه افتراق و اشتراک اساسی آنها را برشماریم. تحقیقات علمی و ادبی بعدی در مسیر ادبیات تطبیقی و مناسبات بینامتنیت و ترجمه پژوهی خواهد بود.

پی‌نوشت‌ها

1. تمام ارجاعات به رسائل (غیر از مواردی که ذکر شود) به جلد دوم چاپ 1992 است. در ادامه از این منبع فقط با نام رسائل یاد می‌کنیم.
2. در مورد پیشینه نام و صفت مردان‌شاه در عهد ساسانی و در نزد فتیان ر.ک: شفیعی کدکنی، 1387: 74.
3. برای دیدن برخی چاپ‌های دیگر ر.ک: صالحیه، 1995: ج 2، 38؛ بروکلیمان، 1975: ج 4، 159.
4. در برابر «صاغون» در ترجمه فرانسه، «سجون» (SAIGON) آمده و در چینی سیکون تلفظ می‌شود (ر.ک: مبارک، 1975: 282). در چاپ هند و آلمان، به جای صاغون، بلاصاغون ضبط شده (ر.ک: رساله من...، 1904: 9؛ فی تداعی...، 1885: 2). می‌توان حدس زد که در بازنویسی‌ها و چاپ‌های جدید نام این شهر را با نام شهر بلاصاغون که در متون تاریخ مغول ذکر می‌شود، خلط کرده‌اند.
5. در مقدمه استادان پورنامداریان و عابدی بر منطق‌الطیر به احتمال تأثیر پذیرفتن امام محمد غزالی در رساله‌الطیر از این داستان اشاره شده است (عطار، 1396: 26).
6. باید توجه داشت که در روایت سبزواری (و احمد بصیرت) عنوان کتاب یا داستان «در مرافعه حیوانات» است. شاید این قرینه‌ای باشد که سبزواری از روایت ابن ظافر مطلع بوده چرا که در روایت عربی فعل و مصدر «مرافعه» به نظر نرسید.
7. هر چند از نظر ترتیب تاریخی روایت ابن ظافر بعد از هروی است، اما چون سه روایت بعدی از یک شاخه هستند، ابتدا روایت ابن ظافر را بررسی می‌کنیم.
8. مثلاً در روایت هروی (1352: 70) توصیف کلاغ پیر ساکن دماوند فقط در دو سطر آمده همراه با سه بیت اما در روایت لامعی سه صفحه بدان اختصاص یافته است (لامعی، صص 91-93).
9. عنوان کامل کتاب **حقیقت البیان شاهیه فی التلویح الی ترجیح المسالك النعمت اللہیة** است اما در بالای اولین صفحه عنوان متفاوت و مختصر «حقیقت البیان فی شرافت لانسان» نوشته شده است.
10. از دیگر موارد تأثیر ایدئولوژی در ترجمه شیروانی، حذف نام و اشارات به امامان اربعه فقهی اهل سنت است.

11. مثلاً این عنوان شیروانی «حقیقت: در بیان مشورت کردن حیوانات شکسته‌خاطر و خبر یافتن از ملک دادبخش دارالمفاخر» در برابر این عنوان لامعی «سخن گفتن حیوانات شکسته‌خواطر و خبر یافتن از ملک جنیان ذی‌المفاخر».
12. مثلاً در جایی می‌گوید: «ترک‌لر ایچینده بر مثل دیرلر که... عمو وای دگل زمی وای دور.» (بصیرت، 1332: 53) و در جایی دیگر درباره فایده سکوت و کم‌حرفی می‌گوید: «اما بو سوز ده ترک‌لر آراسنده ... دیه‌لر که: الله سنه بر دیل و یروب ایکی قولاق. یعنی بر دانش ایکی اشیت» (همان: 125).
13. به‌عنوان نمونه ر.ک: ترجمه خطبه خطیب عباسی در آغاز داستان؛ رسائل: 206؛ مستوفی، 1324: 43.

منابع

- ابن ظافر شیرازی (1398)، *کنوزالودیعہ من رموزالذریعہ*، ج 1، تصحیح غلامرضا شمسی، تهران: میراث مکتوب.
- باغستانی، غزاله و مرتضایی، سید جواد (1398)، «بررسی و نقد ترجمه محاکمه انسان و حیوان رسائل اخوانالصفاء مندرج در کنوزالودیعہ»، نشریه آینه میراث، ش 66، صص 169-184.
- بروکلیمان، کارل (1975)، *تاریخ الادب العربی*، ج 4، ترجمه سید یعقوب البکر و رمضان عبدالنواب، قاهره: دارالمعارف.
- بصیرت، احمد (1332ق)، *مراغه حیوانات (حیوانات مراغه سی)*، بی جا: چاپخانه کربلایی محمد (چاپ سنگی).
- پروینی، خلیل و دیگران (1430)، «دراسة البنية القصصية لقصة المناظرة بين الإنسان والحیوان والجن فی رسائل إخوان الصفا»، *مجلة العلوم الانسانية الدولية*، ش 16، صص 29-44.
- حسینی قزوینی، شرف الدین (1383)، *المعجم فی آثار ملوک العجم*، به کوشش احمد فتوحی نسب، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- *رسائل إخوان الصفا و خلان الوفا* (1992) بیروت: دارالاسلامیه.
- *رسائل إخوان الصفا و خلان الوفا* (1396)، با مقدمه فارسی اکبر ایرانی، تهران: مرکز میراث مکتوب.
- رساله من رسائل اخوان الصفا (1904)، تصحیح مولوی ابوطیب، هند، کانپور: مطبعة الزواقیه.
- زنگی بخاری، محمد بن محمود بن محمد (1374)، *بستان العقول فی ترجمان المنقول*، به کوشش محمد تقی دانش پژوه و ایرج افشار، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- سبزواری، ملا اسماعیل (1310)، *مجمع النورین*، چاپ سنگی، تبریز: کارخانه حاج احمد آقا.
- سپهر، عبدالحسین (1386)، *مرآت الوقایع المظفری*، تصحیح عبدالحسین نوایی، تهران: مرکز پژوهشی میراث مکتوب.
- سرکاراتی، بهمن (1350)، «پری: تحقیقی در حاشیه اسطوره شناسی تطبیقی»، *نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تبریز*، ش 97-100، د 23، پاییز 50، صص 1-33.
- شیروانی، محمد علی بن اسکندر، *نسخه خطی کیمیاء الشفا*، کتابخانه مجلس شورای اسلامی، شماره ثبت: 78415.
- _____، *نسخه خطی حقیقه البیان الشاهیه فی التلویح الی ترجیح المسالک النعمه اللهیة*، کتابخانه ملک، شماره اموال 4058.

- شفیعی کدکنی، محمدرضا (1383)، «نقش ایدئولوژیک نسخه‌بدها»، نامه فرهنگستان، س 5، ش 1 و 2، بهار و زمستان 83، صص 93-110.
- صالحیه، محمد عیسی (1995)، المعجم الشامل للتراث العربی المطبوع، قاهره: معهد مخطوطات العربیه.
- عبدالغفار بن عبدالغفور تبریزی، نسخه خطی رساله رعدوبرق، محل نگه‌داری: کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران. شماره کتاب 4455.
- عبدی، مریم و فاضلی، محمد (1398)، «نقد روانکاوانه محاکمه انسان و حیوان»، فصلنامه تخصصی زبان و ادبیات، ش 18، تابستان 98، صص 84-99.
- عطار نیشابوری (1396)، منطق‌الطیر، تصحیح محمود عابدی و تقی پورنامداریان، تهران: سمت.
- فی تداعی الحيوانات علی الانسان عند ملک العجن (1881)، با مقدمه فریدرخ دیترسی، برلین: لایپزیک.
- گلچین معانی، احمد (1344)، «نفائس کتابخانه آستان قدس: طرب‌المجالس»، نامه آستان قدس، ش 21، مرداد 1344، صص 75-85.
- لالچی بن ستیل برشاد، نسخه خطی مناظره‌الانسان، محل نگه‌داری کتابخانه مجلس، شماره رکورد: 778939 و شماره ثبت 87804.
- لامعی بورسوی، محمود بن عثمان، نسخه خطی شرف‌الانسان، محل نگه‌داری کتابخانه مجلس، به شماره رکورد 488710 و شماره ثبت 78459.
- مبارک، زکی (1975)، النثر الفنی فی قرن الرابع، بیروت: دارالجلیل.
- مجمل‌الحکمه (1375)، مؤلف نامعلوم، به کوشش محمدتقی دانش‌پژوه و ایرج افشار، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- محمودی، مریم و الیاسی، رضا (1396)، «نمادشناسی حیوانات در کتاب طرب‌المجالس»، فصلنامه متن‌شناسی ادب فارسی، س 9، ش 36، زمستان 96، صص 57-70.
- مستوفی، عبدالله (1324)، ترجمه محاکمه انسان و حیوان (از رسائل اخوان‌الصفاء)، تهران: کتابفروشی محمدعلی علمی.
- مشار، خان بابا (1340)، مؤلفین کتب چاپی فارسی و عربی از آغاز تا کنون، [بی‌جا. بی‌نا]
- _____ (1353)، فهرست کتاب‌های چاپی فارسی، تهران: چاپخانه ارژنگ.
- میرحسینی هروی، حسین بن عالم (1352)، طرب‌المجالس، مشهد: کتابفروشی باستان.
- _____ (1395)، مناظره حیوانات با حکما، تصحیح یعقوب احمدی، قم: دارالمجتبی.

- نطق صامت (1323ق)، [مؤلف ذکر نشده]، [طهران]: مطبعه علی اصغر پیشخدمت.
- نفیسی، سعید (1384)، *زندگینامه عطار*، تهران: انتشارات اقبال.
- نوشاهی، عارف (1390)، *فهرست نسخه‌های خطی فارسی کتابخانه مرکزی دانشگاه پنجاب لاهور*، ج 1، تهران: میراث مکتوب.
- وقار، احمد (1372)، *محاكمه انسان و حیوان؛ «مرغزار»*، تصحیح محمد فاضلی، مشهد: دانشگاه فردوسی.
- Alvarez, María Lourdes (2002), "Beastly Colloquies: Of Plagiarism and Pluralism in Two Medieval Disputations between Animals and Men", *Comparative Literature Studies*, Vol. 39, No. 3 (2002), pp. 179-200.
- Callatay, Godefroid de (2018) "For those with eyes to see' On the hidden meaning of the animal fable in the Rasail Ikhwan Al-Safā", *Journal of Islamic Studies*, 29(3), pp. 357-39.
- Lâmi'î Çelebi (2011), *Şerefü'l-insân: İnsan ve hayvanların yaratılış konusunda sultan huzurunda tartışmaları*, [prepared] by Sadettin Eğri, The Department of Near Eastern Languages and Civilizations, Harvard University.
- **The Case of the Animals versus Man Before the King of the Jinn** (2012); Translated by Goodman, Lenn & Richard Mc Gregor, London, Oxford University Press.
- **The Animals Lawsuit Against Humanity** (2005); Translated by Anson Lytner and Rabbi Dan Bridge; Kentucky: Fons Vitae.